

هئیت‌هفتگی محبین امیرالمؤمنین(ع)/تنها مسیر(۴): ابعاد سیاسی اجتماعی مبارزه با هوای نفس/جلسه ۶

پناهیان: عوامانه است به اختلاف نظر سیاسیون بپردازیم ولی به ریشه نظرات آنها نپردازیم / طبق روایات، آنچه درباره مسئولین اهمیت دارد مخالفت با هوای نفس است

در ادامه بخش‌های اول تا سوم مباحث بسیار مهم «تنها مسیر؛ راهبرد اصلی تربیت دینی»، که به تبیین جهاد اکبر یعنی مبارزه با هوای نفس آشکار و پنهان می‌پرداخت، بخش چهارم مباحث «تنها مسیر» با موضوع «ابعاد سیاسی و اجتماعی مبارزه با هوای نفس» آغاز شد. این سلسله مباحث جمعه شب‌ها در هیئت هفتگی محبین امیرالمؤمنین(ع) که در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می‌شود، ارائه می‌شود. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **نشستین جلسه** از مبحث «**تنها مسیر - ابعاد سیاسی و اجتماعی**» را می‌خوانید:

بسیاری از اختلاف نظرهای مدیران و مسئولین ناشی از هوای نفس است / عوامانه است به اختلاف نظر سیاسیون بپردازیم ولی به ریشه نظرات آنها نپردازیم

- یکی از گفتگوهایی که در جامعه ما جاری است این است که معمولاً درباره دیدگاه‌های مدیران و سیاستمداران جامعه بحث می‌شود و حتی به این دیدگاه‌های مختلف رأی داده می‌شود و اداره جامعه به مسئولینی که دیدگاه خاصی دارند، سپرده می‌شود. البته نفس این کار خوب است ولی آیا واقعاً انسان‌ها می‌توانند این قدر با هم اختلاف نظر پیدا کنند؟ در پاسخ باید گفت که همیشه این گونه نیست. لاقلاً بخشی از اختلاف نظرها و یا برخی از دیدگاه‌ها ناشی از اهواء نفسانی انسان‌هاست.
- نه اینکه مسئولین یا سیاسیون نباید نظرات گوناگون داشته باشند، و نه اینکه اگر نظرات گوناگونی داشتند این نظرات مختلف را بیان نکنند، و مردم از بین دیدگاه‌های مختلف، دیدگاه مقبول خودشان را انتخاب نکنند، همه اینها می‌تواند باشد، اما در این میان باید گفت: بخش عمده‌ای از این اختلاف نظرها یا لاقلاً بخشی از این اختلاف نظرها، ناشی از اهواء نفسانی است. یعنی وقتی اختلاف نظر وجود داشت، یا هر دو طرف دچار هوای نفس هستند یا لاقلاً یکی از دو طرف. لذا عوامانه است که ما به موضوع اختلاف نظر سیاسیون بپردازیم، ولی به ریشه‌های نظرات آنها نپردازیم.
- حضرت امام(ره) می‌فرمود: «اختلاف ریشه‌اش از حب نفس است. هر کس خیال می‌کند که من برای خدا این آقا را باهاش اختلاف می‌کنم، یک وقت درست بنشیند در نفس خودش فکر کند ببیند ریشه کجاست؟» (صحیفه امام/۱۶/۱۸) و می‌فرمود: «...یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد- که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم- که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد. رئیس جمهور و رئیس مجلس و نخست وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و... نمی‌شناسد و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است.» (صحیفه امام/۱۷۹/۲۱)

بسیاری از دیدگاه‌ها ناشی از تمایلات نفسانی است / هوای نفس افراد، آنها را به تئوریزه کردن اهواء نفسانی وادار می‌کند

- وقتی می‌گوییم اختلاف نظرها «غالباً» ناشی از حب نفس است برای این است که یک جایی هم برای اختلاف نظرهای ناشی از مسائل تخصصی و فنی باقی بگذاریم - و الا می‌گفتیم همه اختلاف نظرها ناشی از حب نفس است - یعنی در مواردی که مسأله کاملاً تخصصی است و دو تشخیص فنی وجود دارد مانند اختلاف نظر دو مرجع تقلید. این دسته از اختلاف نظرها بین مدیران و

سیاسیون، طبیعی است. تبادل افکار و تعاطی نظرها هم باید باشد. انتخاب بین آنها هم باید توسط مردم آزادانه صورت بگیرد. در فضای جامعه هم باید گفتگوها صورت بگیرد. ولی در کنارش باید گفت: بسیاری از دیدگاه‌ها ناشی از تمایلات افراد است و این هوای نفس است که افراد را به تئوریزه کردن اهواء نفسانی وادار می‌کند.

- به‌جای هر نوع توصیه‌ای به صلح و سازش مسئولین با یکدیگر، و به‌جای هر نوع توصیه‌ای به اینکه مسئولین به نظرات کارشناسی مراجعه کنند و این نظرات را بپذیرند، و به‌جای هر نوع توصیه‌ای برای نظارت بر رفتار مسئولان و به‌جای هر نوع توصیه‌ای برای کنترل دیدگاه‌های غلط و حرکت‌های اجتماعی گسترده برای افشای یک دیدگاه نادرست، باید این سخن را جا بیندازیم که «اساساً سیاستمداران و مدیران جامعه باید اهل مبارزه با هوای نفس باشند؛ چون اگر آنها اهل مبارزه با هوای نفس نباشند، دیگر شما نمی‌توانید بقیه مسائل - فوق‌الذکر - را کنترل کنید.»

اگر اهالی سیاست آلوده به هوای نفس باشند، با دیدگاه‌های ناشی از هوای نفس خود، جامعه را آلوده می‌کنند

- کسی که وارد عرصه سیاست می‌شود - اعم از سیاستمداران و افراد رسانه‌ای و روشنفکران و اندیشمندان - اگر دچار هوای نفس باشد، طبیعتاً دیدگاه ناشی از هوای نفس خود را پیدا می‌کند و آن را تئوریزه می‌کند و تا شما بخواهید جواب آن را بدهید، دیگر کار از کار گذشته است چون او همه اوضاع را به هم ریخته و خیلی‌ها را به اغواء کشانده و افکار عمومی را منحرف کرده و در مقام عمل هم خیلی از اجرای سیاست‌ها را به اشتباه انجام داده است. مثل یک دیوانه‌ای که سنگی در چاه بیندازد و چهل عاقل نتوانند آن را در بیاورند.

- ما باید این بحث را مطرح کنیم که: «اگر اهالی سیاست و مدیران جامعه اهل هوای نفس باشند طبیعتاً در اثر این هوای نفس دیدگاه‌های غلطی پیدا می‌کنند که این دیدگاه‌ها را وارد جامعه کرده و جامعه را با این دیدگاه‌ها آلوده می‌کنند.» این مسأله، هم مربوط به سیاستمدارانی است که در قدرت هستند و هم کسانی که در قدرت نیستند و در مقام نقد مدیران قرار دارند. آنها با اهواء نفسانی خودشان دیدگاه‌های غلطی تولید می‌کنند که مردم به این سادگی نمی‌توانند به غلط بودن آن دیدگاه‌ها پی ببرند. و با این دیدگاه‌ها جامعه را به فساد و تباهی می‌کشانند.

- یک پزشک قبل از ورود به اتاق عمل جراحی باید دست خود را استریل کند، و یک آشپز هم قبل از پختن غذا باید نکات بهداشتی را رعایت کند و از آلودگی‌ها پاک شود. نمی‌توان گفت: «لازم نیست آنها نکات بهداشتی را رعایت کنند، اگر آنها آلودگی داشتند و مشکلی برای مردم پیش آمد، بعداً با دارو و بیمارستان، مشکل را حل می‌کنیم!»

- اگر کسی که وارد عرصه فعالیت سیاسی می‌شود، اهل هوای نفس باشد، در اثر این آلودگی از خودش دیدگاه‌هایی منتشر خواهد کرد که مردم را اسیر و گرفتار این دیدگاه‌ها کرده و ذهن مردم را خراب خواهد کرد. چنین کسی اگر وارد مجلس شورای اسلامی شود، قوانین را فاسد می‌کند و اگر وارد عرصه مدیریت‌های دولتی شود، آنجا فاسد خواهد کرد.

سه خصلت مورد نیاز برای مسئولین جامعه

- امام محمد باقر(ع) می‌فرماید: «امامت درست نمی‌شود(صلاح نیست امامت در دست کسی قرار بگیرد) مگر اینکه آن فرد دارای سه خصلت باشد: ۱- ورعی داشته باشد که او را از حرام باز دارد؛ إِنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَخْجُرُهُ عَنِ الْمَخَارِمِ»(خصال/۱/۱۱۶)
- ورع یعنی مخالفت با هوای نفسی که انسان را می‌خواهد به حرام بکشاند. بعضی‌ها -که تقوا را لازمه مدیریت نمی‌دانند- می‌گویند: «ما مدیریتمش را می‌خواهیم، به ورع او کاری نداریم!» در حالی که اگر یک مدیر، اهل ورع نباشد، مدیرتش را در خدمت هوای نفسش قرار می‌دهد. ممکن است حتی چیزی هم برای خودش بر ندارد، ولی هوای نفسش باعث می‌شود دیدگاه و اندیشه غلط تولید کند و هوای نفس خود را تئوریزه کند. مثلاً چنین کسی اگر اهل جهاد نباشد، تئوری‌های ضد جهاد از خودش تولید می‌کند. یا وقتی که جای صلح نیست، صلح را تئوریزه می‌کند و در شرایطی که جای صلح نیست، هوای نفسش او را به سمت صلح می‌کشاند. یا بالعکس. لذا نمی‌شود به دیدگاه کسانی که اهل ورع نیستند، اعتماد کرد.
- حضرت ویژگی دوم برای مدیر جامعه- را چنین بیان می‌فرماید: «۲- باید حلمی داشته باشد که مالک غضب خود باشد؛ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ»(همان) نمی‌شود کسانی را وارد عرصه سیاست کنیم که مالک غضب خودشان نیستند. مالک غضب بودن هم یک وجه دیگر از مبارزه با هوای نفس است.
- همان‌طور که قبلاً گفتیم، مبارزه با هوای نفس دو وجه دارد: اولاً وقتی در معرض جاذبه دنیا قرار گرفت، بتواند خودداری کند و به سمت آن نرود. یعنی وقتی امر خدا آمد، بتواند برخلاف هوای نفس خودش، امر خدا را اطاعت کند.(همان ویژگی اول یعنی ورع) ثانیاً وقتی در موقعیت و شرایط سخت قرار گرفت بتواند برخلاف هوای نفس خودش، آن را تحمل کند. خلاصه اینکه در اوامر تکوینی و تشریحی خداوند، مخالفت با هوای نفس داشته باشد.(صبر در سختی‌ها و اطاعت در برابر اوامر سخت الهی) لذا در این روایت می‌بینید که هر دو وجه فوق به عنوان ویژگی یک امام صالح، بیان شده است.
- سومین ویژگی هم این است که: «مردم را خوب سرپرستی کند، و نسبت به مردم مانند پدری مهربان باشد؛ وَ حُسْنُ الْخِلَافَةِ عَلَيَّ مَنْ وُلِّيَ حَتَّى يَكُونَ لَهُ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ»(همان) توجه کنید که این مهربان بودن نسبت به مردم، ناشی از دو ویژگی قبلی است. اگر یک مسئول جامعه این ویژگی‌ها را نداشته باشد، مصالح جامعه را اشتباه خواهد دید.

بر اساس روایت، کسی که قدرت مخالفت با هوی ندارد، عقلش کم است

- امام باقر(ع) می‌فرماید: «هیچ عقلی مانند عقل مخالفت هوی نیست؛ لَا عَقْلَ كَمُخَالَفَةِ الْهَوَى»(تحف العقول/۲۸۶) مگر ما نمی‌خواهیم مدیران و سیاسیون و اهالی سیاست ما عقل داشته باشند؟ طبق این روایت، بهترین و بالاترین مرتبه عقل آن عقلی است که قدرت مخالفت با هوای نفس دارد. اگر کسی قدرت مخالفت با هوی ندارد، اصلاً عقل درست و حسابی نخواهد داشت که بخواهد بر اساس آن، از خودش دیدگاه صادر کند. لذا نباید به چنین کسی میدان بدهیم وارد عرصه سیاست شود. اگر این مسأله در جامعه جاییفتد، هر کسی جرأت نمی‌کند وارد عرصه سیاست شود. چون عرصه سیاست، عرصه پاکدلی، پاکدستی، پاکدامنی و پاکی روح است و هر کسی نباید وارد این عرصه شود.

امام باقر(ع): مردمی که ریاست امام جائر را بپذیرند، قطعاً عذاب خواهند شد / طبق روایات، ما نمی‌توانیم سیاسی نباشیم

- امام باقر(ع) می‌فرماید: «خداوند فرموده است، قطعاً عذاب می‌کنم هر رعیتی را (هر یک از توده مردم در جامعه اسلامی را) که ریاست امام ظالمی را بپذیرند که خداوند اطاعت از او را دستور نداده است؛ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَأَعَذَّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ» (کافی/۱/۳۷۶)
- کسی که جائر و ستمگر است و اهل هوای نفس است و اهل ظلم است و اهل ورع نیست، نباید ریاست او را بپذیریم. کسانی که ریاست یک امام جائر، را می‌پذیرند نمی‌توانند بهانه بیاورند که «او زور می‌گوید و زور ما به او نمی‌رسد!» چون در این صورت باید در مقابل او مقاومت کنیم؛ حتی اگر در این راه کشته شویم.
- با توجه به این روایت‌ها اصلاً ما نمی‌توانیم سیاسی نباشیم. اگر مدیران ما اهل هوای نفس باشند، و ما به هر دلیلی - حتی اگر خودمان آنها را انتخاب کرده باشیم - با آنها مخالفت نکنیم، قطعاً و حتماً به جهنم خواهیم رفت.
- باید مطمئن باشیم که مدیران جامعه ما اهل هوای نفس نیستند. البته نمی‌خواهیم باب سوء ظن را باز کنیم و نمی‌خواهیم تخریبی هم برخورد کنیم. ولی باید پرچم سخن حق را در جامعه بلند کرد. همان‌طور که گفته شده: «چوب را که بردارید، گربه دزده فرار می‌کند» برخی از سخنان حق، جامعه را از عوامی درمی‌آورد و باعث می‌شود هر کسی نتواند وارد این عرصه شود. اگر بر اینکه مدیران و مسئولین جامعه نباید اهل هوای نفس باشند، تأکید کنیم، به تدریج فضای سیاست تطهیر خواهد شد.

یکی از رفتارهای هواپرستانه که نباید در مسئولین دیده شود «رفتار دفاعی» است

- مخالفت با هوای نفس را در درجه اول، مسئولین و مدیران جامعه باید داشته باشند. مثلاً یکی از رفتارهایی که در مسئولین نباید دیده شود، «رفتار دفاعی» است. رفتار دفاعی، یعنی از خودمان دفاع عجولانه و حریصانه و بی‌مورد داشته باشیم. انسان نباید همه‌جا از خودش دفاع کند (مگر اینکه واقعاً این دفاع از خود، ضرورت داشته باشد) بارها دیده‌ایم که حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری در خیلی از مقاطع از خودشان دفاع نکرده‌اند.
- کسی که رفتار دفاعی داشته باشد، معلوم می‌شود اهل صبر نیست. رفتار دفاعی یکی از رفتارهای زشت در سیاسیون است. کسی که دچار این رفتار باشد، اگر یک کار اشتباه نیز انجام دهد، به همین راحتی نمی‌پذیرد که اشتباه کرده است و مدام از کار خودش دفاع می‌کند. باید در جامعه جا بیفتد که رفتار دفاعی بد است و ناشی از شخصیت ضعیف آدم است. در این صورت جامعه رشد خواهد کرد و جلوی دفاع نابحق و تثبیت رفتار غلط گرفته خواهد شد.
- امام باقر(ع) می‌فرماید: «من بر رفتارها (اذیت‌های) غلام خودم و خانواده خودم صبر می‌کنم؛ صبری که از گیاه حنظل هم تلخ‌تر است، چون کسی که بر این سختی‌ها و اذیت‌ها صبر کند، به درجه صبر صائم قائم می‌رسد (فرد روزه‌داری که شب‌ها برای عبادت بیدار است) و به درجه شهید می‌رسد، شهیدی که جلوی پای پیامبر(ص) به شهادت رسیده است؛ اِنِّي لَأَصْبِرُ مِنْ غَلَامِي هَذَا وَ مِنْ أَهْلِي عَلَى مَا هُوَ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ إِنَّهُ مِنْ صَبْرٍ نَالَ بِصَبْرِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ وَ دَرَجَةَ الشَّهِيدِ الَّذِي قَدْ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ قَدَامَ مُحَمَّدٍ ص» (نواب الاعمال/۱۹۸) یعنی کسی که بر تلخی‌ها و اذیت‌های خانواده و اطرافیان و زیردستان خودش صبر کند، به درجه شهیدی می‌رسد که در رکاب پیامبر اکرم(ص) جنگیده و به شهادت رسیده است.

تبدیل شدن هواپرستی به اندیشه و تئوری، یک مسأله عام‌البلوی است که در کودکان هم می‌توان دید

- مسأله تبدیل شدن هواپرستی به اندیشه، نگرش و تئوری، یک مسأله عام‌البلوی است. این مسأله را حتی در کودکان هم می‌توان دید. مثلاً کودک به چیزی علاقه دارد، و پدر و مادر با آن خواسته مخالفت می‌کنند. این بچه آن‌قدر فکر خودش را به کار می‌اندازد که خواسته خودش را با دلایل مختلف توجیه کند. وقتی یک کودک می‌تواند این‌طور برای هوای نفس خودش دلیل درست کند و توجیه بیاورد، در نظر بگیرید اگر یک فرد-در مقام مدیر و مسئول- کمی در سخن گفتن مهارت داشته باشد چقدر می‌تواند در توجیه و تئوریزه کردن هوای نفس خودش موفق باشد!
- پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «من برای امت خودم از یک چیز خیلی نگران هستم و آن هم منافق علیم اللسان است؛ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمِ اللِّسَانِ» (کنز العمال/ ۲۸۹۶۹) منافق علیم اللسان، دین و ایمان درستی ندارد ولی زبان چرب و نرمی دارد، و در هر مسأله‌ای یک جواب حاضری دارد که سریع مطرح می‌کند.

طبق روایات، آنچه درباره مسئولین اهمیت دارد مخالفت با هوای نفس است نه صرف اعتقاد به اسلام

- آن چیزی که درباره مسئولین و سیاسیون اهمیت دارد و در روایات ما خیلی مطرح شده است، مخالفت با هوای نفس است، نه صرف اعتقاد به اسلام. حتی ایمان و دانش هم-از نظر اهمیت- در مرحله بعد از مخالفت با هوای نفس قرار دارد. باید دید که این شخص، خمیرمایه مخالفت با هوای نفس را دارد یا نه؟ اگر نداشته باشد، ذهنش تئوری‌های غلط تولید خواهد کرد. و بعد هم از رفتارها و سیاست‌های غلط خودش، دفاع خواهد کرد و این کار دون عقلانیت و شخصیت یک انسان فرهیخته است.
- امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «مَدِيرِيتِ صَحْنَةِ امْتِحَانِ اَدَمِ هَاسِتُ؛ اَلْوَلَايَاتُ مَصَامِيرُ الرَّجَالِ» (نهج البلاغه/ حکمت ۴۴۱) سیاسیون خیلی راحت امتحان می‌شوند و مردم باید بدانند که الان سیاسیون دارند امتحان پس می‌دهند. اگر مردم از اصول این امتحان پس دادن و چگونگی شکست و پیروزی در این امتحانات خبر نداشته باشند، نتایج بدی به بار خواهد آورد. لذا مردم باید در رفتار مسئولین دقت کنند و متوجه شوند که سیاسیون در امتحانات خود شکست می‌خورند یا پیروز می‌شوند.
- کسانی که در مبارزه با هوای نفس خودشان، بصیر هستند، در مورد مبارزه با هوای نفس مسئولین هم بصیر می‌شوند. یعنی می‌فهمند که این مسئولین، در مبارزه با هوای نفس خودشان موفق هستند یا نه؟ مثلاً وقتی یک مسئول عصبانی می‌شود، از نحوه برخورد او، خیلی چیزها را می‌فهمند.

اولین مخاطب همه موعظه‌های اخلاقی، مدیران جامعه هستند

- اولین مخاطب همه موعظه‌ها، مدیران جامعه هستند. لذا وقتی بحث مخالفت با هوای نفس مطرح می‌شود قبل از هر کسی اول از مسئولین جامعه انتظار داریم که مخالفت با هوای نفس کنند.
- متأسفانه یک انحراف در جامعه ما دیده می‌شود و آن اینکه مردم هر مفهوم اخلاقی را می‌شوند، اول یاد مسئولین نمی‌افتند و این به خاطر تلقی غلط مردم از اخلاق است. مثلاً وقتی بحث حسادت را می‌شنویم، اول باید به یاد ولایت‌پذیری و ولایت‌گریزی بیفتیم نه حسادت دو رقیب شغلی نسبت به همدیگر یا حسادت دو هوو نسبت به همدیگر. وقتی بحث تکبر را می‌شنویم اول باید به یاد ولایت‌پذیری و ولایت‌گریزی بیفتیم. اگر بحث تقوا مطرح می‌شود اول باید یاد مسئولین و سیاسیون بیفتیم، چون تقوا در درجه اول برای سیاسیون است.

یکی از سخت‌ترین امتحانات الهی این است که یک آقایی، آقازاده خودش را قربانی کند

- وقتی بحث قربانی شدن اسماعیل(ع) توسط پدرش حضرت ابراهیم(ع) مطرح می‌شود، انسان به یاد یکی از سخت‌ترین امتحانات الهی می‌افتد. یکی از سخت‌ترین امتحانات الهی این است که یک آقایی، آقازاده خودش را قربانی کند.
- مثلاً ما عالم روحانی اهل تقوا، سراغ داریم که با آقازاده خودش خراب شده و در این امتحان الهی مردود شده است. البته ما در انقلاب خودمان کسانی را هم سراغ داریم که حکم اعدام آقازاده خودش را داده‌اند؛ به خاطر اینکه فرزندشان عضو گروهک‌های تروریستی شده بود.
- در مراحل بالاتر باید بر روی هوای نفس‌های پیچیده‌تر کار کنیم. مثلاً حضرت ابراهیم(ع) وقتی قرار بود امام شود، علی‌رغم اینکه همه امتحانات قبلی (مثل افتادن در آتش و...) را به خوبی پشت سر گذاشته بود، یک امتحان سخت از او گرفته شد و آن هم قربانی کردن آقازاده خودش بود.

هوای نفس‌هایی که در مسئولین پیدا می‌شود، خیلی ظریف و پیچیده است

- بحث هوای نفس در مورد مسئولین و سیاسیون، دیگر در حد گناهان دم دستی مانند چشم‌چرانی نیست. بلکه هوای نفس آنها خیلی ظریف و حساس می‌شود و به سادگی قابل مشاهده نیست. مثلاً زبیر ۲۵ سال پای امیرالمؤمنین(ع) ایستاد و سوخت. یعنی در آن سال‌ها به دلیل طرفداری از امیرالمؤمنین(ع) خودش را از بهره‌های اجتماعی محروم کرد، ولی بعداً هوای نفس او در مسائل دیگری بروز پیدا کرد.
- امتحانات مربوط به مسئولین جامعه خیلی سخت است. هوای نفس‌هایی که ممکن است در مسئولین پیدا شود، خیلی ظریف و پیچیده است. مثلاً ممکن است یک کسی در ابتدا، مخلصانه وارد این عرصه شده باشد، اما بعداً وقتی می‌بیند که احتمال دارد در این عرصه یک مقدار کم بیاورد، از ترس اینکه مبادا کم بیاورد و ضایع شود، مطابق هوای نفس رفتار می‌کند. اینجاست که هوای نفس او رو می‌آید.
- نقل شده است که یک عالم و عارف بی‌نظیر، در روز عاشورا در یک جلسه‌ای بعد از علمای دیگر بالای منبر رفت که روضه بخواند. همه منتظر بودند که او از نفرات قبلی، بهتر روضه بخواند و روی دست همه بزند. گویا نفس او هم یک چنین انتظاری از او داشت. ایشان هم می‌توانست این کار را بکند و چنان روضه‌ای بخواند که روی دست همه بزند. ولی او با اینکه روز عاشورا بود، شروع می‌کند روضه موسی بن جعفر(ع) می‌خواند؛ برای اینکه روی نفس خودش را کم کند و به نفسش حال ندهد. در آن جلسه، همه مات و مبهوت مانده بودند که چرا این طوری روضه می‌خواند؟!

